

از: زامبو آنکاسیتی - فیلیپین

## چرا مبارزات چهار صد ساله

### مسلمانان فیلیپین هنوز پیروز

#### نشده است!

هفتصدساله ایجاد جامعه اسلامی در فیلیپین را تشکیل می دهد و در تاریخ تمدن اسلام و جهان از طولانی ترین مبارزات يك قوم علیه تسلط بیگانه بشمار می آید .

لذا اگر خواسته باشیم جنبشهای آزادی بخش جهان را در عصر حاضر، طبقه بندی نمائیم از لحاظ اهمیت مبارزه موروها بعد از نلسطین در ردیف دوم قرار خواهد گرفت . آنها که با مبارزه خود، پرچم اسلام و آزادیخواهی را افراشته اند و بیش از چهار صدسال است که داخ صلح را بردل استعمار گران خارجی و نوکران داخلی آنها چون «فردینالد مارکوس» گذاشته اند . لیکن سؤالی که مطرح است اینست که چرامتی که اینچنین تشنه استقلال و از لحاظ کمیت نیز بیش از ۷۰ درصد جزایر «میدانائو» و

برادران و خواهران عزیز، قصدا از این گزارش تاریخ نویسی نیست ما فقط اوضاع فعلی جنوب فیلیپین را مورد بررسی قرار میدهیم، برای اطلاع از تاریخ مبارزات مسلمانان جنوب می توانید به کتابهای «جنگ خانمانسوز فیلیپین» و «یسا کتاب مسلمانان فیلیپین» نوشته دکتر قیصر ادیب مراجعه فرمائید . هدف ما از این نوشتار، نشان دادن واقعیتهاست حتی اگر این واقعیتها در مواردی تلخ نیز باشد .

\*\*\*

بیش از چهار صدسال است که مسلمانان جنوب فیلیپین یا «موروها» علیه استعمار گران و اشغالگران خارجی که در رأس آنها، امپریالیسم امریکا قرار دارد، در مبارزه هستند مبارزه ای که بالغ بر نیمی از تاریخ

«سولو» را تشکیل می‌دهد، هنوز نتوانسته است پیروز گردد ؟ مادر این مقاله تا حد امکان علل این عدم موفقیت را مورد بررسی قرار میدهم :

۱- جدائی از مکتب - از همانروزی که مسلمانان جنوب فیلیپین زیر پرچم اسلام و با وحدت کلمه مبارزه خود را آغاز کرده و دلیرانه ادامه دادند، استعمارگران دانستند که تا اسلام در بین این ملت وجود داشته باشد پیروزی بر آنها مقدور نخواهد بود. لذا اولین هدف خود را بر مبنای نابود کردن اسلام و یا حداقل تضعیف و وارونه نشان دادن آن قرار دادند و ملتی که در سرزمین آباء و اجدادی خود غیر از شعار اسلام ، شعاری ننشیده بودند ، ناگهان با سیل مبلغین مسیحی ، یهودی ، بهائی ، بودائی و حتی هندودر سرزمینشان روبرو شدند و دیدند که باز یاد شدن این مبلغان که با نام پیام آوران صلح و با شعار صلح دوستی ، برابری ، وارد صحنه شده بودند ، از تعداد مسلمانان راستین و مبلغین حقیقی ، کاسته شد و یا آنها را تبعید میکردند یا بزدان می‌انداختند و یا بتل می‌رسانیدند و عده‌ای را نیز می‌خریدند که بزرگترین ضربه را همین خود فروخته‌ها به انقلاب مسلمانان و موروا وارد کردند .

هم اکنون نیز اگر به شهرهای «هولو» «تاوی تاوی» «پاسیلان» ، «کوتوباتو» ، آمبوانگا ، «طروی» و ... سفر کنید متوجه خواهید شد که در هر قسمت شهر عده‌ای مبلغ مشغول تبلیغ دین خود هستند ولی در

جمع همه می‌خواهند مردم را هر طور که شده از اسلام جدا کنند و تنها مبلغینی که حق فعالیت در این شهرها را ندارند مبلغین ایرانی هستند !!

استعمارگران از هر حيله‌ای برای بیگانه کردن مردم با اسلام ، استفاده می‌کنند جامعه شناسان و روانشناسان امریکائی با نام‌های بازرگان ، توریست و ... دائماً مشغول سفر از شهر «میدانائو» به آن شهر در این جزیره مسلمان‌نشین هستند فرودگاههای شهرهای مذکور همواره مملو از این تفاله‌های استعمار است .

مثلاً همین که متوجه میشوند که مردم شهر مسلمان‌نشین «هولو» از مسیحیان کاتولیک بیزارند لذا عده‌ای از این با اصطلاح پیام آوران صلح دورغی !! وارد شهر شده و با تبلیغات فراوان از مذهب کاتولیک انتقاد می‌کنند ، پاپ را مسخره مینمایند ، رسوم مسیحیان کاتولیک را بجهاد مسخر می‌گیرند و پس از جلب اعتماد مردم ، دین نوین خود را به آنها ارائه می‌دهند .

دین پروتستان . یعنی کاتولیکها را کوبیده و پروتستانسم را ترویج میدهند و بدیهی است که عده‌ای از مردم ناآگاه نیز جذب آنها خواهند شد .

در سال هزار و نهصد و هفتاد و دو ، هنگامیکه عده زیادی از مسلمانان ، دست با اعتراض برداشتند که چرا حق تبلیغ اسلام را در سرزمین خودمان نداریم و موج این اعتراضات بالا گرفت دولت فیلیپین دست به حمله جدیدی زد و آن اینکه از کشورهای

مسلمان دست نشاندۀ و همبسته با امپریالیسم  
نظیر مصر و عربستان سعودی تقاضا کرد که  
مبلغ به کشور فیلیپین و برای مناطق  
مسلمان نشین اعزام نمایند و این کشورها  
نیز چه صمیمانه قول همکاری داده و دست  
دشمنان اسلام را فشردند ! و هم اکنون در  
هر کدام از شهرهای مسلمان نشین وارد  
شوید از وجود چند مبلغ مصری یا عرب ،  
اطلاع حاصل خواهید کرد مبلغینی که اولین  
شرط آمدنشان به فیلیپین این است که در اوضاع  
داخلی کشور دخالت نکرده و فقط آنچه چیزی  
که به آنها دیکته شده، باید در مدارس تدریس  
نمایند.

یک روز که ما سرزده به یکی از کلاسهای  
درس که مربوط به سال سوم مدرسه اسلامی  
بود وارد شدیم مشاهده کردیم که مبلغ مصری  
با آب و تاب مشغول درس دادن ثواب  
نمازهای مستحب است و تأکید میکرد که اگر  
نماز شب را که ساعت ۱۲ می خوانند با ۵  
دقیقه تاخیر انجام دهی نمازهای روزانه ات  
نیز باطل خواهد شد !!

این درسی است از دروس اسلام شناسی  
دانش آموزان سال سوم مدرسه اسلامی.  
یعنی کسانی که دو آستانه فارغ التحصیل  
شدن هستند بوده است تا زگیها پس از انقلاب  
اسلامی ایران وظیفه دیگری نیز بردوش  
مبلغین مصری گذارده شده ، و آن مطرح  
نمودن اختلافات بین سنی ها و شیعه است تا  
بدین وسیله تأثیر انقلاب اسلامی ایران را  
کاهش دهند ! !

البته اینگونه اعمال ایشان بر روی طبقه  
دانشجو و روشنفکر کم اثر و در پاره ای  
موارد بی اثر است، در حال حاضر بیشترین  
فخشن را در راه از خود بیگانه کردن  
مسلمانان ، کلیسا و کشیهای مسیحی ایفا  
می نمایند و در تمام شهرهای مسلمان نشین  
بساکنتهای « هولو » و « مراوی » تعداد  
کلیساها بمراتب بیش تر از تعداد مسجد  
هاست ! .

حتی در بعضی از شهرها که حداقل نیمی  
از سکنه آنها مسلمان هستند نظیر: «الیگان» ،  
«هاگادیان» Pagadyan و «داواو» Davao  
فقط يك و یا دو مسجد نیم ساخته آنها  
در منطقه ای خارج از مرکز شهر وجود  
دارد .

بگذریم از شهر دموگته (Demogute)  
که با اینکه ۲۵ درصدش مسلمان هستند  
ولی مسجدی در این شهر یافت نمیشود  
و دولت نیز اجازه ساختن مسجد را  
نمیدهد .

تمام سعی دولت بر این است که  
به دنیا و توریستهای خارجی نشان  
دهد که تعداد مسیحیان در «مینه داناو»  
بیش از مسلمانان است و ادعای استقلال  
طلبی مسلمانان مبنا و اساسی ندارد.  
و سالیانه آنطور که آمار نشان میدهد  
حداقل پنج محله مسلمان نشین توسط  
دولت با آتش کشیده میشود و درست  
یک هفته پس از آتش سوزی مبلغان و کشیهای  
مسیحی به محله آتش گرفته روانه شده و با

شمار (دین برای مامطح نیست انسانیت مهم است) با مسلمانان رابطه برقرار کرده و به آنها چنین می گویند: «که ما از طرف عیسی مسیح آمده ایم تا به شما در خانه سازی مجدد، کمک کنیم ما زمینهای داریم که وقف مسیحیان است اگر شما بخواهید، میتوانید از آنها استفاده کنید بشرطی که دین ما را بپذیرید!» و مسلمانان همه چیز از دست داده و ناامید و ناامیدینا مجبورند شرایط آنها را بپذیرند و یا در مساجد و مدارس بطور موقت بیتوته نمایند!

در دوماه اخیر سه محله مسلمان نشین در شهرهای دادائو- کوتو باتو و زامبو- آنگاسیتی در عرض دوهفته طعمه حریق شد! در آتش سوزی از «عراوی سیتی» دو مسجد نیز خاکستر شد (از اسفند ۵۷ تا اردیبهشت ۵۸) - در نتیجه همین اعمال است که اگر سفری از عراوی سیتی دورترین نقطه «میندائو» به زامبوآنگاد داشته باشیم در مدت ۱۲ ساعت سفر خود حتی یک نشانه از اسلام در بین راه، مشاهده نخواهیم کرد در عوض هر پانصد متر به پانصد متر در کنار جاده صلیبهای رومی هستیم که با زبان بی زبانی به مسافری می فهمانند که در یک سرزمین مسیحی سفر می کنید. این فشارها و تضییقات باعث شده است تا مسلمانان جنوب نیز در فکر حفظ سرزمین اجدادی خود و حفظ سنتهای قومی و مذهبی خود باشند و تنها چاره را در تأسیس مدرسه

اسلامی و تدریس زبان عربی که زبان مقدس «میندائو» است، دیده اند، لذا منتهای مدارس دولتی که توسط دولت فلیپین ساخته شده و از وضع بهتری برخوردارند، و مبلغین مصری اداره کنندگان این مدارس هستند، مدارس خصوصی دیگری نیز در مکانهای مختلف تأسیس شده است.

حتی در جنگها و مناطق دور افتاده هر قبیله کوچکی، بزرگترین کلبه خود را به مدرسه تبدیل نموده و یکی از افراد قبیله که بیش از بقیه، سواد عربی و قرآنی دارد، در این مدارس تدریس میکند در کلاسها معمولاً کودکان و نوجوانان شرکت می کنند و لذا در اکثر مناطق مسلمان نشین جنوب فلیپین، مردم تا حد نسبتاً زیادی با زبان عربی آشنائی دارند، مشکل عمده این مدارس، نداشتن کتاب است آنها به متن و موضوع کتاب کاری ندارند و هر کتابی که عربی باشد تدریس میکنند و لذا دولت نیز از این مسئله سوء استفاده کرده و هر چند ماه یکبار سیل کتابهای ارتجاعی و غیر سازنده مصری و سعودی را به این مدارس سرازیر میکند.

مدارسی که از طرف دولت حمایت می شوند وضعی بهتر از مدارس دیگر دارند و مدارس خصوصی گرچه چنین نیستند ولی استقلال خود را حفظ کرده اند و آزادانه تر تدریس می کنند و مسائل را راحت تر مورد بررسی قرار میدهند. در بعضی از شهرها که علاقه مردم به تدریس زبان عربی و قرآن

بیشتر است دولت در دانشگاه‌های آن شهر نیز کلاس‌هایی بهمین منظور دایر کرده است و حتی در دانشگاه (نو تری دیوم) «کوتاباتو» که دانشگاهی آمریکائیست ۱۲، واحد درسی تمام دانشجویان به‌دروس اسلامی اختصاص یافته است که عبارتست از :  
زندگی حضرت محمد - الفبای عمومی عربی - تاریخ اسلام، زندگی رهبران اسلامی «تمام دانشجویان اجباراً باید این واحدها را بگذرانند و کاملاً مشخص است تدریس دووس اسلامی در دانشگاه آمریکائی چه نتیجه ای خواهد داشت ؟

بخصوص اینکه کتاب‌هایی که باید دانش-جویان استفاده کنند ، نوشته نویسندگان استعمارگر آمریکاست .

از گروه عوام و طبقه غیر دانشجویی جنوب فیلیپین که چاره‌را در تاسیس مدارس اسلامی یافته است که بگذریم به طبقه دانشجویان و روشنفکران جوان این منطقه می‌رسیم . این طبقه که متأثر از انقلاب اسلامی ایران می‌باشند و در تماس با دانش-جویان ایرانی که اخیراً و بعد از انقلاب فعالیت‌های خود را در جهت روشن نمودن افکار مسلمانان و انتقال انقلاب اسلامی ایران به جنوب فیلیپین زیادتر نموده‌اند و بوی اسلام راستین بمشامشان خورده و باعث حرکت و جنبش آنان شده ، بی‌کار ننشسته‌اند و با تاسیس انجمن‌های منطقه ای و تاسیس کتابخانه‌ها ، سعی در احیای اسلام در سر-

زمینشان دارند بخصوص گروه‌هایی از قبیل شعبان المسلمین که مرکز آن در «مراوی سیتی» است و گروه جوانان مسلمان که مرکز آن در مانیل است فعالیت‌های تبلیغی گسترده‌ای دارند که در این میان فعالیت‌های «شعبان المسلمین» که بقول خودشان گرچه خالی از اغراق هم نیست حدود ۳۰ هزار عضو دارند ، چشمگیر است . آنها حدود چهار ماه قبل با برپا نمودن يك اردوی اسلامی توانستند بیش از دو هزار نفر از جوانان مسلمان را جمع آوری کرده و طی برنامه‌ها فرهنگی متنوع از آنها بخواهند که فعالیت خود را گسترده‌تر نمایند .

این اردو گاه که حدود ده روز بطول انجامید انعکاس مثبتی در بین مسلمانان جنوب به-خصوص مردم مراوی بر جای گذارد این گروه با اجرای نمایشنامه و ساختن سرود و آهنگ‌های اسلامی سعی در نشان دادن ویژگی‌های فرهنگ اسلامی دارد ، اخیراً شعری بسبک سرود خمینی ای امام به زبان محلی خود سروده و اکثر روزها در مساجد اجرا میکنند قسمتی از ترجمه متن ، چنین است ، «ما مسلمانیم اگر دنیا ما تریالیست بشود ما نخواهیم شد ، اگر دنیا از دین بر گردد ما بر نخواهیم گشت ، مرگ بر انگل ، مرگ بر قمار ، مرگ بر زنا ، ما همیشه در مسیر ایمان خواهیم بود . . .

ضمناً این گروه هر روز نوجوانان بین ده تا پانزده ساله را به مسجد بزرگ، شهر برده

و تعلیم نظامی میدهد مثلاً تمرینهای نظامی مانند قدم رو، بدورو، سینه‌خیز، کلاغ‌پر رژه، و... زادر قالب اسلامی و توام با سرودهای اسلامی به آنها می‌آموزد!!  
این حرکت‌های پراکنده‌ای که در این آواخر در بین جوانان مسلمان «میدانانو» ایجاد شده است ترس و دلهره‌ای در دل استعمارگران بوجود آورده و آنها را تکاپو وادشته است اما از آنجا که دولت فلیپین در صدد آن است که کشورهای اسلامی

بخصوص ایران را متقاعد نماید که مسلمانان «میدانانو» از آزادی مذهب برخوردار هستند، لذا در این اواخر از سختگیریهای خود در اینموارد کاسته است. این گروه‌های فعال اگر در يك خط قرار بگیرند و دارای کادر رهبری صحیحی بشوند بطور یقین خواهند توانست انقلاب فرهنگی گسترده‌ای را در این سرزمین پیاده نمایند.

ادامه دارد

#### بقیه از صفحه ۴۹

در اینجا این سؤال پیش می‌آید که آیا اجداد مادر ماقبل تاریخ کفش میپوشیدند؟ جواب این است که نه نمی‌پوشیدند و خیلی هم راحت و طبیعی راه می‌رفتند ولی آنها روی زمین نرم راه میرفتند و نه آسفالت و سنگفرش.

و خود خاك متكای خوب برای کف پاست و از طرف دیگر بعلت پابرهنه راه

رفتن، کف پای آنها خیلی محکم و بادوام تر از کف پای ما بود.

۲- هر گونه زخم و یا میخچه و یا ناراحتی پا را باید تحت نظر و مراقبت پزشك درمان کرد و از بکار بردن داروهای خانگی و بریدن میخچه و غیره خودداری کرد.

#### بقیه از صفحه ۸

می‌گردد، ولی اگر فرد متمکن، ثروت خود را وسیله ای بیش نداند و دنیا را گذرگاه، نه توفنگاه بیندیشد، زاهد و درویش و صد در صد خویشتن‌گرا خواهد بود که ملک و مال را وسیله‌ای برای دفع سرما و گرما و تشنگی و گرسنگی می‌داند.

در بارهٔ علاقه به خدا و مذهب سخن به گونه

دیگر است، زیرا هر نوع علاقه به غیر، مذموم و مایه انحطاط نیست گاهی علاقه به غیر و ارتباط با موجود کامل و برتر، بسان علاقه شاگرد به استاد مایه‌ی تکامل و تعالی است ارتباط انسان با خدا از تباطق مطلق باغنائی مطلق نقص محض با کمال محض است و هر گز نباید چنین پیوندی را از خود بیگانگی مذهبی خواند.